

تمکین زوج، مفهوم، احکام و آثار آن در فقه و حقوق موضوعه

□ سید علی اصغر یعقوبی *

چکیده

در توضیح و توجیه تقسیم تمکین به تمکین عام و خاص با توجه به فتاوی و عبارات فقها می توان چنین اظهار نظر کرد که هر یک از زوج و زوجه در قبال حقوقی تکالیفی نیز بر عهده دارند. که در خصوص حق استمتاع و بهره بری جنسی زوج با اصطلاح تمکین خاص و در غیر آن که عمدتاً بحث اشتغال و خروج از خانه است؛ با عنوان تمکین عام برای زوج قابل تقسیم می باشد. همینطور می توان چنین تقسیمی را نیز برای زوج پیش بینی نمود، که پرداخت نفقه در مقابل تمکین خاص زوجه، وظیفه اصلی زوج محسوب شده که ترک آن توسط وی موجب استحقاق زوج به مطالبه آن از طریق حاکم شرع خواهد شد.

و بیتوته و داشتن انس عاطفی با زن یا زنان به شکل مساوی، پرهیز از ایذاء و آزار و اذیت و بدزبانی بدون عذر و وجه شرعی و... تحت عنوان تمکین عام یا حسن معاشرت، در مقابل تمکین عام زوجه نیز مورد توجه قرار گیرد، که در صورت امتناع زوج از آن، زوجه در صورت تحمل ضرر یا عسر و حرج مستحق مطالبه گری و الزام زوج بدان، و در صورت استتکاف زوج مستوجب طلاق قضائی خواهد شد.

کلیدواژه: تمکین خاص، تمکین عام، نشوز، اذن زوج

مفهوم لغوی تمکین

تمکین در لغت به دو معنا است:

- ۱- سلطه و اختیار دادن به دیگری است: (تَمَكَّنَا) جَعَلْتُ لَهُ عَلَيْهِ سُلْطَانًا وَقُدْرَةً (فَتَمَكَّنَ) مِنْهُ (فیومی المقری، أحمد بن محمد، ج ۱، ص ۲۹۸، ۱۴۱۸ هـ.ق).
- ۲- مستقر کردن و تثبیت کردن: قوله (مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ) أي ثَبَّتْنَاهُمْ وَمَلَكْنَاهُمْ وَاسْتَمَكَّنَ الرجل من الشيء ، وَتَمَكَّنَ مِنْهُ بِمَعْنَى أَي قَدَرَ عَلَيْهِ. (طريحي النجفي، فخر الدين، ج ۶، ص ۳۱۷، بی تا)

مفهوم اصطلاحی تمکین و اطلاق آن بر زوج

در اصطلاح رائج فقهی، تمکین به اظهار اطاعت زوجه از زوج تعبیر می‌شود. البته در کارهائی که اطاعتش بر زوجه لازم است. (بهاء‌الدین محمد بن تاج‌الدین (الفاضل الهندی)، ج ۷، ص ۵۵۸، بی تا)

البته طبق ظاهر ادله و قواعد فقهی، اصطلاح تمکین لزوماً اختصاص به زوجه ندارد، هر چند عرفاً استعمال تمکین برای زوج مقبولیت عرفی پیدا نکرده و لكن این به معنای این نیست که زوجه به جهت نشوز زوج قادر به ارائه دعوی الزام به تمکین زوج را شرعاً نداشته باشد.

خاصیت که طبق نص آیه شریفه ۱۲۸ سوره نساء «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا» اطلاق نشوز برای مرد فی الجملة ثابت شده است. و همانطور که زوجه در قبال وظائف شرعی خویش در قبال زوج باید تمکین داشته باشد، و در صورت عدم تمکین بر وی اصطلاح ناشزه اطلاق می‌شود؛ از جهت عدم وجود قولی مبنی بر تفصیل بین زوجین در طرو حالت ناشزه در صورت عدم تمکین؛ زوج نیز می‌بایست چنین تمکینی را رعایت کند.

فقهائ نیز در تعریف نشوز آن را به زوجه اختصاص نداده و حتی به نشوز زوج نیز تصریح کردند.

صاحب جواهر نشوز را چنین تعریف می‌نماید:

«القول في النشوز وهو الخروج من الزوج أو الزوجة عن الطاعة الواجبة على كل واحد منهما

لآخر» (النجفی، محمد حسن، ج ۳۱، ص ۲۰۰)

صاحب حدائق در تعریف نشوز زوج چنین تصریح دارند که: «فی نشوز الزوج و هو عبارة عن أن يتعدى الزوج عليها ويمنعها بعض حقوقها الواجبة، من نفقة أو كسوة أو قسم أو نحو ذلك، أو أنه يضربها و يؤذيها بغير سبب مبيح له ذلك» (بحرانی، شیخ یوسف، الحدائق الناضرة، ج ۲۴، ص ۶۱۹) بنابراین استعمال لفظ تمکین برای زوج در کنار استعمال شایع آن برای زوجه به جهت ادله شرعی منعی ندارد، هر چند نزد عرف چنین استعمالی با قوام بودن و اقتدار مرد، ناسازگار بوده و مقبولیتی ندارد.

اقسام تمکین متصور برای زوج و احکام آن

پرداخت نفقه به عنوان تمکین خاص زوج

تمکین خاص زوج و احکام آن

از تعریفی که از نشوز زوج ارائه شد، می توان چنین استظهار کرد که عموماً تمکین خاص زوج عبارت از پرداخت نفقه می باشد. کما اینکه در مبانی منهاج الصالحین، پیش بینی دادخواست الزام به تمکین از سوی زوجه چنین مقرر گشته است:

«و أما اذا ظهر من الزوج النشوز بمنع حقوقها الواجبة من قسم ونفقة ونحوهما فلها المطالبة بها ووعظها اياه والا رفعت أمرها الى الحاكم وكان للحاكم الزامه بها» (طباطبائی قمی، سید تقی، مبانی منهاج الصالحین، ج ۱۰، ص ۲۲۰)

در میان فقهای شیعه نیز وجوب نفقه زن، امری اجماعی و متفق علیه به شمار می رود بلکه این امر به گفته مؤلف جواهرالکلام در بین امت اسلامی اجماعی است:

«لا تجب النفقة من حيث كونها نفقة لا من حيث توقف حفظ النفس المحترمة إلا بأحد أسباب ثلاثة: الزوجية والقربة والملك بإجماع الأمة كما عن جماعة الاعتراف به» (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۰۱) اما اینکه نفقه شامل چه مواردی و تا چه میزانی هست؛ در فتاوی فقهای اندکی اختلاف وجود دارد.

نقعه به معنای «آنچه صرف هزینه عیال و اولاد کنند، هزینه زندگی زن و فرزندان، روزی و مایحتاج معاش». (دهخدا، ۱۳۴۷: ص ۶۷۳) آمده است. همچنین در تعریف دیگری آمده است: «ما انفقت و استفتقت علی العیال و نفسک»، (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ص ۱۷۷) یعنی آنچه برای خود و خانواده هزینه می‌شود. و در اصطلاح فقهی به معنای مالی است که در تأمین هزینه‌ها مصرف می‌شود (مشکینی، ۱۴۲۸هـ ص ۵۴۴)

در جواهرالکلام بیان شده: «مایحتاج زن از جمله غذا، البسه، مسکن، خادم و وسائل آشپزی که به طور متعارف با وضعیت زن در آن شهر متناسب باشد». (نجفی، ۱۳۶۶: ج ۳۱، ص ۳۳۰) بعضی از فقها، مصادیق دیگری به آن اضافه نموده اند، همانند: «وسائل تطهیر و آرایش از جمله شانه، کرم، صابون و هزینه حمام در صورت نیاز». (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ص ۴۶۹) در تحریر الاحکام در تعریفی کوتاه بدون ذکر مصادیق آمده است: «آنچه زن بدان نیازمند است و در شأن چنین زنی در آن شهر است». (حلی، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۷) (محمدی، مرتضی، ازدواج، نفقه و تمکین، مطالعات راهبردی زنان ۱۳۸۳ شماره ۲۵)

در بخش گستره نفقه، دیدگاه‌های فقها از قَلت و محدودیت، به کثرت و تنوع می‌گراید و با ارائه معیار (آنچه زن عرفاً برای زندگی به آن احتیاج دارد) به کمال می‌رسد.

مرحوم محقق حلی، در شرایع الاسلام در این باره می‌نویسد:
«اما ضابطه در اندازه نفقه، تأمین آن چیزی است که زن به آن احتیاج دارد مانند: غذا، لباس، مسکن، خدمتکار، وسیله روغن [وسیله آرایش] که در این موارد از آنچه در زنان مانند او در میان اهالی متداول است تبعیت می‌شود» (محقق حلی، ج ۱۹، ص ۵۱۹)

صاحب جواهر نیز استثنائاتی همچون: هزینه مداوا را که فقهای پیشین مطرح کرده اند، نمی‌پذیرد. (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۳۷)

نیز آیه‌الله خویی در منهاج الصالحین علاج امراض صعب العلاج را مادامی که به حد عسر و حرج نرسد، جزء نفقه محسوب می‌دارند. (محقق خویی، ج ۲، ص ۲۸۷) و امام خمینی در تحریرالوسیله پس از ذکر مصادیق متعدد از مایحتاج زن، در انتها ملاک و معیار را عرف معرفی کرده بیان می‌دارند:

« و الأولى إيكال الأمر إلى العرف و العادة في جميع المذكورات، و كذا في الآلات و الأدوات » (امام خمینی، ج ۱، ص ۷۵۵)

اما در بخش اندازه و مقدار نفقه، حدّ متعارف و معروف مذكور در عبارات فقها كه نمونه آن گذشت؛ نسبت به چه کسی و كجا باید لحاظ شود؟ نسبت به متعارف و معمول محل زندگی، نسبت به متعارف مردانی كه در حدّ شرایط و توانایی مالی مرد هستند، یا نسبت به حدّ متعارف زنان كه از نظر وضعیت خانوادگی پدری و منزلت و موقعیت اجتماعی در شرایطی مشابه شرایط زن در محل و مكان زندگی او هستند؟

بنابراین سه دیدگاه در میان فقها وجود دارد:

۱- آنچه متناسب با شأن و منزلت اجتماعی زن است. صاحب جواهر در بیان مقدار نفقه، معیار را زوجه و شأن و منزلت اجتماعی وی می داند و بیان می دارد: « أما الكلام في قدر النفقة فضابطه القيام بما تحتاج المرأة إليه من طعام وإدام وكسوة وإسكان وإخدام وآلة الادهان تبعا لعادة أمثالها من أهل البلد للأصل وإطلاق الأوامر بالإنفاق كتابا وسنة الذي يرجع في مثله إليها بعد أن لم يكن ثم تقدير شرعي » (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۳۰)

۲- آنچه در جامعه معروف و متعارف است؛

صاحب جواهر در بیان اقوال فقها در تبیین نوع عرفی كه نفقه بر اساس آن باید پرداخت شود از شیخ طوسی نقل می كند كه معیار قوت غالب شهر زوجین هست. (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۳۱)

۳- آنچه با توان مالی مرد تناسب دارد.

وی در ادامه نقل فتاوی فقها می فرماید: « إن لم يكن القوت الغالب أي لم يقدر عليه الزوج إما لعدمه أو عدم الوصول إليه فما يليق بالزوج، لأنه لا تكلف نفسا إلا وسعها، ولقوله تعالى (وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ) و قال في كنز العرفان: « قال المعاصر أن المعتبر في النفقة حال الزوج لا الزوجة، ولذلك أكده بقوله تعالى (لا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا) » إذ لو كان المعتبر حال الزوجة لا حال الزوج لأدى ذلك في بعض الأوقات إلى تكليف ما لا يطاق، بأن تكون ذات شرف والزوج معسر » (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۳۳)

در انتها ایشان با تایید اشکال صاحب کنز العرفان بر وجه اخیر، به جمع بندی اقوال می پردازند. به این ترتیب که معیار در تعیین میزان و نوع نفقه زوجه، شان و منزلت اجتماعی زوجه است، و حتی قولی که قوت غالب شهر را معیار قرار داده بود، به نوعی بازگشت به منزلت اجتماعی زن می باشد که در آن بلاد زندگی می کند، اما اگر زوج معسر شود، در این صورت طبق آیه شریفه مذکور، معیار شرایط اقتصادی زوج خواهد بود.

بنابراین اگر زوجه با اراده و اختیار خویش به نکاح زوجی در آمده باشد، که معسر و فقیر هست، بر زوج همان نفقه ای که مناسب با توان مالی وی هست واجب است. و زوجه حقی مبنی دادخواست نفقه بیشتر از توان مالی زوج و متناسب با شان خود ندارد.

چرا که با قبول زوجیت با چنین زوجی، حق نفقه متناسب با شان خود را از خود ساقط نموده و بعید نیست حتی در صورت متمکن شدن زوج نیز، آنچه بر وی واجب باشد همان نفقه معهود حین العقد باشد.

مگر اینکه بپذیریم شان وی در طول زمان نیز تابع عرف بوده و در طول زندگی متغیر خواهد بود. به هر حال اگر زوج در اثنای زندگی فقیر و معسر شود، همانطور که گذشت آنچه بر عهده وی است نفقه متناسب با وضعیت اقتصادی فعلی وی هست؛ اما آیا زوجه می تواند به جهت تنزل شان و نفقه متناسب با شان خویش دادخواست طلاق بدهد، و آیا دادخواست وی مسموع خواهد بود؟

اگر زوج به حدی معسر و ناتوان گردد که زوجه برای تامین مایحتاج خود دچار عسر و حرج گردد، ظاهراً دعوای وی مبنی بر دادخواست طلاق به جهت تحمل عسر و حرج مسموع قرار خواهد گرفت.

لکن اگر هرچند در تامین مایحتاج خویش دچار تنگی و سختی شده است، لکن به حد عسر و حرج نرسیده باشد، بعید به نظر می رسد دادخواست وی مسموع قرار گیرد.

مفهوم حسن معاشرت و رابطه آن با تمکین عام برای زوج

یکی از مباحث مهم خانواده، مسئله ی «حسن معاشرت زوجین نسبت به یکدیگر و بالاخص

زوج» است که دوام و سلامت نظام خانواده درگرو تحقق و حاکمیت آن بر روابط همسری می‌باشد. با توجه به اهمیت موضوع حسن معاشرت و تأثیر آن در روابط زوجین، ضرورت دارد، ضوابط و معیارهای فقهی و حقوقی آن تا حدودی دقیق تر مشخص شود که معیارهای فقهی و حقوقی آن در آیات قرآن کریم و سنت و سیره ی معصومین (ع) متجلی است.

آیات و روایات زیادی در این خصوص به چشم می خورد که شارع مقدس توصیه وسفارشات زیادی در خصوص حسن معاشرت نسبت به هر یک از زوجین داشته است.

در روایتی بانویی مسلمان خدمت رسول مکرم اسلام آمده و از حقوق زوج سوال فرمود، حضرت فرمودند: «اطاعت او را کرده و با او مخالفت نکند، بدون اجازه وی در اموال وی تصرف نکند، بدون اجازه وی روزه مستحبی نگیرد، و بدون اجازه وی از منزل خارج نشود، که در غیر این صورت ملانکه آسمان و زمین او را لعنت خواهند کرد. (کلینی، ۱۳۶۷ج: ۵۰۶).

در مورد مدلول این روایت میتوان گفت:

حقوق ذکرشده دراین روایت، با وجود قرائنی بر حمل حقوق واجب میشوند، زیرا: اولاً اهل لغت، حق را به معنای امر واجب و ثابت دانسته و شواهدی از قرآن هم برای آن اقامه کرده اند. خلیل در العین گفته است: «حق الشيء يحق أي حقاً وجب وجوباً (خلیل، ۱۴۰۹ج، ۳، ص ۶)

درلسان العرب هم آمده است: «حق الأمر يحق ويحق حقاً و حقوقاً: صار حقاً و ثبت» (ابن منظور ۱۴۰۵، ج ۱۰، ص ۶۹)

ثانیاً جملات خبری در این روایت در مقام انشا بیان اند شده و با توجه به اینکه در آنها از الا و نفي استفاده شده است، دلالتشان بر لزوم از جمله انشایی کمتر نیست؛

ثالثاً لعنت ملانکه عذاب و رحمت که ذیل روایت آمده است، حرمت خروج بدون اذن را تأیید میکند. (مهدی رهبر، محدوده شرعی تمکین عام زوجه، پژوهشهای فقهی، دوره ۱۰، شماره ۱، ص

۶۷، بهار ۱۳۹۳)

حتی نقل شده که فقیه نامداری چون صاحب جواهر اموری چون عبوس شدن، سنگین برخورد کردن، اظهار کراهت و بی میلی با رفتار و گفتار و امثال آن را از مواردی شمردند که موجب می

شود استمتاع زوج به صورت کامل و تمام محقق نشده و از این حیث امور مذکور موجب نشوز زوجه می شوند. (فقه الصادق علیه السلام (للروحانی)؛ ج ۲۲، ص: ۲۴۷)

در مقابل زوج نیز موظف به حسن معاشرت می باشد. طبق آیه شریفه قرآن که می فرماید: «عاشروهن بالمعروف» خداوند به مردان توصیه میکند تا حد امکان، معاشرت به معروف و رفتار شایسته را ترک نکنید، مثلاً در شرایط ناخوشایند تصمیم فوری به جدایی یا بدرفتاری نگیرید و تا آنجا که قدرت دارید، مدارا کنید. این توصیه در روایات بسیاری از معصومین به صورت مختلف به زنان و مردان شده است.

در این باره از امام رضا علیه السلام نقل میکند: «به امام ابی الحسن الرضا طی نامه ای نوشتم که یکی از بستگان من دختر مرا خواستگاری کرده و کمی تندخوست، ایشان در پاسخ فرمود: اگر اخلاقش خوب نیست به وی زن مده» (ابن بابویه: ۱۳۷۶ ج ۵، ص ۴۵) همچنین توصیه به حصول اطمینان از نوع خلق و خوی زن قبل از ازدواج در روایات اسلامی مشاهده میشود (همان: ج ۵، ص ۱۱۵).

پس از تشکیل خانواده، توصیه به اخلاق مداری به دو روش انجام شده است؛ در یک بخش، به طور کلی، سفارشات فراوانی مبنی بر اکرام همسر، سازش و الفت با همسر، عذرپذیری و عذرخواهی هنگام بروز خطاها، عدم آزار زبانی یکدیگر در خانواده و ... مطرح شده است. در این باره در روایتی از امام صادق علیه السلام اکرام و بزرگداشت همسر از طرف زن از موجبات سعادت وی دانسته شده است (مجلسی: ۱۴۰۳ ج ۷۳، ص ۳۵۴)

قدر متیقن از حسن معاشرت زوج رعایت حقوق واجب زن می باشد، حقوقی مثل تامین نفقه مناسب با شان زن، بیتوته و داشتن انس عاطفی با زن یا زنان به شکل مساوی، پرهیز از ایذاء و آزار و اذیت و بدزبانی بدون عذر و وجه شرعی و ... که نه تنها این گونه رفتارها با حسن معاشرت و معاشرت بمعروف تنافی دارد که در صورت ترک این امور موجب نشوز زوج شده و زن استحقاق دادخواست حقوق مذکور را از شوهر و در صورت استکفاف از حاکم شرع پیدا خواهد کرد.

بحوث فقهیه (للحلی)؛ ص: ۲۱۰ (منهاج الصالحین (للسیستانی)؛ ج ۳، ص: ۱۰۶) (الزبدۃ الفقهیه فی شرح الروضة البهیة، ج ۶، ص: ۵۶۲)

به نظر می رسد حسن معاشرت عنوان عامی است که هم شامل وظائف هر یک از زوجین نسبت به حقوق یکدیگر می شود و هم شامل رفتارهایی می شود که زیست همراه با آرامش و مسالمت آمیز مستلزم آن است. حسن معاشرت یکی از تکالیف مشترک زن و شوهر است که این حسن سلوک بر اساس روابط معروف، پایه های زندگی را تشکیل میدهد.

نکته قابل توجه این است که معیار حسن معاشرت از دیدگاه قرآن عرف و آنچه مورد پسند جامعه و عقل و فطرت سلیم است، می باشد. طبق تفسیر المیزان معروف هر امری است که مردم در مجتمع خود آن را بشناسند و آن را انکار نکنند (طباطبائی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۴۰۴)

بنابراین حتی در نیازهای جنسی که مرد مکلف است حداقل هر چهارماه یک بار با همسر خویش مجامعت داشته باشد، لکن اگر عرف و عادت به گونه ای باشد که زن به کمتر از این مدت برای رفع نیاز جنسی خود نیاز داشته باشد، فقهای مثل آیت الله خویی و آیت الله تبریزی احتیاطاً فتوی به تکلیف زوج به تامین نیاز جنسی زن به کمتر از چهارماه داده اند. (صراط النجاة (المحشی للخوائي)؛ ج ۱، ص: ۲۹۸)

کتابنامه

- قرآن کریم
- الهامی نیا، علی اصغر، **فقه خانواده**، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۳۶ ش.
- ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی، **المبسوط فی فقه الإمامیة**، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران، ۱۳۸۷ ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين، قم، بی تا.
- بهاءالدين محمد بن تاج الدين حسن بن محمد اصفهانی (الفاضل الهندي) **كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام**، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين، قم، بی تا.
- تبریزی، الميرزا جواد، **صراط النجاة في أجوبة الإستفتاءات**، نشر: دارالصدیقه الشهيد، قم، ۱۳۸۵ ش.
- حرّ العاملي، محمد بن الحسن، **وسائل الشيعة ط-آل البيت**، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث - قم، بی تا.
- حكيم، السيد محمد سعيد، **منهاج الصالحين**، سنة الطبع: ۱۴۱۵ - ۱۹۹۴ م، دار الصفوة - بيروت - لبنان، بی تا.
- زين الدين بن علی (الشهيد الثاني)، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، مؤسسة المعارف الإسلامية، بی جا، بی تا.
- سبزواری، السيد عبد الأعلى، **مذهب الاحكام في بيان حلال و الحرام**، دارالتفسير، قم، بی تا.
- شريف، دكتور علی، **نفقه وتمكين در حقوق خانواده**، انتشارات بشارت، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- طباطبائي الحكيم، السيد محمد سعيد، **فقه المرأة المسلمة**، طبقاً لفتاوى السيد محمد سعيد الطباطبائي الحكيم، دار الهلال، ۱۴۳۰ ق.
- طباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، **العروة الوثقى مع تعاليق بعض الأعظم**، مؤسسة فقه الثقلين.
- طريحي النجفي، فخر الدين، **مجمع البحرين**، چاپ طراوت، بيروت، بی تا.
- قيومي المقرئ، أحمد بن محمد بن علي، **المصباح المنير**، الناشر: المكتبة العصرية، ۱۴۱۸ هـ.ق.

محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، انتشارات وزارت، ۱۳۸۴ ش.

مدرسی، السید محمد تقی، الوجیز فی الفقه الإسلامی (عقود المنفعة وعقود الشركة) میراث ماندگار، بی تا. مکارم شیرازی، ناصر، احکام خانواده، ناشر: امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۳۸۹ ه. ش. زیر نظر آیه الله سید محمود هاشمی شاهرودی، موسوعة الفقهية ناشر: انتشارات موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامي.

نجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، جواهر الکلام، ناشر: دار إحياء التراث العربي، بیروت، چاپ هفتم، ۱۳۶۲ ش.

